

۸ مارس روز جهانی زن، بر زنان جویای عشق و برابری در ایران و جهان، خجسته باد!



مادران پارک لاله

«جوانه میزنم
به روی زخم بر تنم
فقط به حکم بودنم
که من زنم، زنم، زنم
چو هم صدا شویم و
پا به پای هم رویم و
دست به دست هم دهیم و
از ستم رها شویم...» بخشی از شعر فرشته مولوی

امسال روز جهانی زن را در شرایطی بر پا می‌داریم که زنان ایرانی زیر شدیدترین فشارها قرار دارند، فشارهایی که حکومت ضد زن اسلامی ایران بر سر ما زنان آوار کرده است و هر روز این فشارها و تبعیض‌ها و تحقیرها سنگین و سنگین‌تر می‌شود، ولی به همان نسبت ایستادگی زنان نیز در برابر این بی‌عدالتی‌ها همه‌گیرتر می‌شود.

شود.

زنان مبارز ایرانی از همان ابتدای به قدرت رسیدن این حکومت زن ستیز، با شناختی دقیق و شجاعتی کم نظیر در برابر تبعیض ها و نابرابری ها و بی‌عدالتی‌های این حکومت ایستادند و شعار دادند «ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم». مبارزات ۶ روزه زنان از ۸ مارس ۱۳۵۷، نمونه بارزی از مقاومت و ایستادگی زنان شجاع ایرانی در برابر این حاکمان ظالم بود. این مبارزه در طی این سالها تا به امروز به اشکال مختلف ادامه داشته است و «دختران خیابان انقلاب» از دل همین ایستادگی ها بیرون آمدند و در حرکتی تک به تک ولی پیوسته، بر بالای بلندی رفتند و روسری از سر برداشتند و آشکارا در برابر این تبعیض ایستادند. این رویه با حضور زنان دیگر نیز ادامه پیدا کرد و این زنان خواست خود را برای آزادی و برابری با خواندن سرودهای دسته جمعی در مترو و دیگر مکان های عمومی نشان دادند. حکومت نیز از ترس ادامه این روند آنها را با احکام سنگین روانه زندان کرد ولی آنها شجاعانه بر حق خود ایستاده اند.

زنان از پیگیرترین مبارزان راه آزادی و برابری و عدالت خواهی اند!

مبارزات زنان در طی چهل و یک سال گذشته علیه محرومیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی ورزشی پیگیرانه ادامه داشته است؛ از مبارزه علیه تبعیض و تفکیک جنسیتی تا مبارزه علیه حجاب اجباری و حق کنترل بر بدن، از مبارزه علیه خشونت خانگی و سنگسار گرفته تا مبارزه برای لغو مجازات اعدام، از مبارزه برای حق دانستن حقیقت و پاسخ‌گویی و دادخواهی گرفته تا مبارزه برای محاکمه و مجازات آمران و عاملان جنایت ها، از مبارزه برای حق داشتن کار و تحصیل و حقوق برابر گرفته تا حق ازدواج و حق خروج از کشور و حق نگهداری از فرزند، از مبارزه برای حق آموزش رایگان برای کودکان و بهبود وضعیت آموزشی گرفته تا مبارزات زنان معلم، پرستار، کارگر، کشاورز، دانشجو، بازنشسته و خانه دار برای حقوق نادیده گرفته شده ی خود و هم چنین از مبارزه ی پیگیر برای حق تشکل های مستقل زنان که پیگیرانه و بی‌وقفه ادامه داشته است و هیچ گاه نا امید نشدند.

شلاق حکومت و جامعه ی مردسالار نیز مدام بر جان و روان و پیکر زنان بی رحمانه کوفته شده است؛ از بازداشت و شکنجه و اعدام

برای فعالیتهای سیاسی و اجتماعی گرفته تا سنگسار برای داشتن روابطی خارج از ازدواج، از تجاوز و تحقیر و تهدیدهای جنسیتی توسط بازجویان و زندان بان ها گرفته تا تهدید و اسیدپاشی و قتل های ناموسی توسط جامعه مردسالار و این بی‌عدالتیها و تبعیض ها از همان سالهای آغازین حکومت اسلامی در زندان ها و خارج از زندان ها بر زنان اعمال شده است. هم‌اکنون نیز زنان بسیاری در زندان های ایران، زیر شکنجه و اذیت و آزارهای فیزیکی و روانی و جنسیتی بازجویان و ماموران وزارت اطلاعات و سپاه قرار دارند. صحبت‌های تکان دهنده ی نیلوفر بیانی یکی از نمونه‌های اخیر است: "بازجویان اطلاعات سپاه، برای گرفتن اعترافات ساختگی، وی را طی حدود ۱۲۰۰ ساعت بازجویی، در معرض شدیدترین شکنجه های روحی و روانی و تهدید به شکنجه فیزیکی و تهدیدهای جنسی قرار داده اند."

چرا مادران و زنان پیگیرترین مبارزان راه آزادی اند و در مبارزه شجاعت بیشتری به خرج می دهند؟
آری اگر به مبارزات زنان ایران نگاهی بیاندازیم، مشاهده می‌کنیم که مبارزات زنان ایران هیچ گاه یک بعدی نبوده و همواره با عشق و مقاومت و مداومت همراه بوده است. زنان در حین مبارزه، می‌توانند عشق بورزند و شادی کنند، برقصند و آواز بخوانند. زنان در حین مبارزه می‌توانند شریک زندگی برای خود برگزینند و فرزندان سالم و توانمند و عاشق به بارآورند. زنان در حین مبارزه می‌توانند مسئولیت پذیری و کمک به هم‌نوع، کمک به حیوانات و دوستی با طبیعت را به جامعه بیاموزند. زنان که خود همواره در معرض خشونت های چند سویه از طرف حکومت و جامعه ی مردسالار بوده و هستند، همواره توانسته اند علیه خشونت مبارزه کنند و بی تردید می‌توانند خشونت را از دنیا براندازند. همین زنان بودند که مبارزه علیه ظلم را به فرزندان شان و جامعه آموختند و ما شاهد دلاوری های فرزندان این زنان بودیم. زنان نیروی عجیبی در هماهنگی و بهبود شرایط دارند و این نیرو می‌تواند آنها را برای دنیایی انسانی و به دور از خشونت و به دور از ظلم و جنگ و نابرابری آماده کند. البته زنانی نیز هستند که در دنیای مردسالارانه غرق شده‌اند و تلاش می‌کنند که پا جای پای خشونت گری های مردانه بگذارند، ولی اغلب زنان زندگی‌شان همواره با عشق، ایستادگی و مقاومت همراه بوده است و می‌توان مصداق‌های بسیاری را تنها اشاره وار گفت. بسیاری از زنان ضمن انجام کار بیرون از خانه، کارهای خانه را نیز با عشق انجام می دهند. البته در این

میان به زنان ظلم بسیار می‌شود و کار خانه گاه تبدیل به بیگاری و شکنجه می‌شود، زیرا زنان در ازای این کار طاقت فرسا و بی پایان، دستمزدی دریافت نمی‌کنند، در حالی که دولت‌ها باید برای کار زنان که تولیدکنندگان نیروی کار هستند، حقوقی اجتماعی در نظر بگیرند.

شاید از خود سؤال کرده باشیم چگونه مادران و خانواده‌های خاوران که اغلب مادران و خواهران و همسران را شامل می‌شوند، پیگیرترین زنان در عرصه دادخواهی در ایران بوده و هستند. خانواده‌هایی که با عشق و شجاعت و پایداری، الگویی برای دیگر خانواده‌های زخم خورده شدند. شهناز اکملی مادر (مصطفی کریم بیگی از کشته شدگان دی ماه ۱۳۸۸) که برای دادخواهی فرزندش و همراهی با دیگر خانواده‌ها به یک سال حبس محکوم و در ۲۵ دی برای اجرای حکم روانه زندان اوین شد و در ۱۲ اسفند برای پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونا به مرخصی آمد، پیش از رفتن به زندان گفت: «مادران و خانواده‌های خاوران راه و رسم ایستادگی برای دادخواهی را به من و دیگر مادران زخم خورده ی سال ۱۳۸۸ آموختند و ما نیز پرچم دادخواهی را بلند کردیم و با مادران آسیب دیده ی سال ۱۳۹۸ همراه شدیم و آن‌ها نیز پرچم دادخواهی را بلند کردند و این پرچم‌ها هر روز تکثیر شده و بر تعداد ما مادران و خانواده‌های دادخواه افزوده می‌شود».

آری مادران و خانواده‌های خاوران جزو اولین زنان عاشقی بودند که برای دانستن حقیقت و دادخواهی در برابر بی‌عدالتی‌های این حکومت ستمگر ایستادند و سینه‌شان را سپر کردند و راه و رسم عاشقی و دادخواهی را به دیگر خانواده‌های زخم خورده آموختند. متأسفانه بسیاری از آن‌ها هم‌اکنون در میان ما نیستند، ولی راه‌شان همچنان ادامه دارد و به حق است که در روز جهانی زن از آن‌ها قدردانی کنیم. مادران و خانواده‌هایی چون مادر پنجه شاهی، مادر میلانی، مادر ریاحی، مادر رضائی جهرمی، مادر بهکیش، مادر معینی، مادر پناهی، مادر لطفی، مادر سرحدی، مادر قائدی، مادر اخوت و پروانه میلانی و بسیاری دیگر. جنایت‌های حکومت اسلامی ایران در دهه ی شصت متوقف نشد و مبارزه برای دادخواهی نیز اغلب توسط مادران و زنان و دختران خانواده ادامه یافت. از دادخواهی قتل‌های سیاسی پاییز ۷۷، تا دادخواهی قتل‌های سال ۷۸، از دادخواهی قتل‌های سال‌های ۸۸ و ۸۹ تا دادخواهی قتل‌های دی ۹۶، آبان ۹۸ و دادخواهی قتل مسافران و خدمه پرواز ۷۵۲ اوکراین و این راه دشوار تا

امروز توسط زنان و مردان شجاع خانواده ادامه یافته است و بی تردید روزی تمام این دادخواهان دست در دست همدیگر دادشان را از بیدادگران خواهند گرفت و آن روز نزدیک است.

ما مادران پارک لاله نیز الگوی مان، مادران و خانواده‌های خاوران هستند با کمی تفاوت در جنس و روش. جنس ما اغلب از خانواده‌های زخم خورده نیست و به عنوان زنانی فعال که دغدغه مان آزادی و برابری و برقراری عدالت است، پس از کشتار مردم بی‌دفاع در خیابان در سال ۸۸ راه مان را با روشی آگاهانه و در همراهی با خانواده‌هایی که از چهل سال جنایت این حکومت زخم خورده بودند، آغاز کردیم زیرا ایستادگی برای دادخواهی را امری مهم برای آینده‌ی کشور می‌دانیم و معتقدیم با مقاومت و ایستادگی و آگاهی بخشی و همبستگی می‌توانیم مسیر آزادی و برقراری عدالت را هموار کنیم و جلوی تکرار جنایت را بگیریم. در این راه نیز همراهانی در داخل و خارج از کشور داشته و داریم و در این ده سال تلاش کرده ایم که صدای اعتراض خانواده‌های زخم خورده را علیه بیدادگری‌های این حکومت ستم‌گر به هر شکلی که می‌توانیم رساتر کنیم.

ما مادران پارک لاله ایران، در این شرایط حساس که بیماری کرونا در ایران بیداد می‌کند و مردم جان به لب رسیده را به مرز خفگی رسانده است و هیچ مقام و نهاد حکومتی مسئولیت نمی‌پذیرد و اطلاعات شفاف و دقیقی به مردم نمی‌دهند، از تمامی زنان و مردان مبارز و آزادی‌خواه ایرانی و تمامی نهادها و سازمان‌های مستقل ایرانی داخل و خارج از کشور و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهیم که راهی جدی برای برون رفت از این شرایط حساس بیابیم. جان فرزندان ما در خطر جدی است. به ویژه زندانیان که در شرایطی بسیار غیر استاندارد و خطرناک نگهداری می‌شوند و ازدحام زندانیان در زندان‌های مختلف تهران و شهرستان‌ها و بی‌مسئولیتی حکومت بیداد می‌کند و به نظر می‌رسد که این بیماری به داخل زندان نیز سرایت کرده است. ما از سازمان بهداشت جهانی به طور جدی می‌خواهیم که به حکومت ایران فشار بیاورند تا بتوانند از زندان‌های ایران بازدید کنند و اطلاعات دقیقی از وضعیت زندانیان بیمار به مردم گزارش دهند. ما همراه با خانواده‌های زندانیان سیاسی می‌خواهیم که هر چه زودتر و حتی شده به صورت موقت زندانیان سیاسی و عادی آزاد شوند تا خودشان و خانواده‌های شان بتوانند از آن‌ها مراقبت کنند.

ما مادران پارک لاله ایران، هم چنین تأکید می‌کنیم که خواهان (۱) آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، (۲) لغو کامل قانون مجازات اعدام و لغو هر گونه شکنجه، (۳) محاکمه و مجازات آمران و عاملان تمام جنایتهای صورت گرفته در جمهوری اسلامی در دادگاه‌های علنی و عادلانه و مردمی هستیم. ما اعتقاد عمیق داریم که این خواسته‌ها با اتحاد و همبستگی و مبارزات پیگیر ما دادخواهان به دست خواهد آمد و تردیدی نیست که برای رسیدن به این خواسته‌ها باید برای رسیدن به آزادی بیان و اندیشه، رفع هرگونه تبعیض، و جدایی دین از حکومت نیز تلاش کنیم، زیرا علت اصلی این بی‌عدالتیها را در ساختار حکومت و قوانین آزادی ستیز و تبعیض آمیز حکومت اسلامی ایران می‌دانیم.

مادران پارک لاله ایران
۱۶ اسفند